

Political Justice in the Political Structure of the Islamic Republic of Iran: Equal Political Participation, Selection, and the Opinions of Political Experts

Mohammad Nabi Aghanaqi 

Ph.D. Student, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ahmed Bakshayesh Ardestani* 

Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Susan Safaverdi 

Assistant Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Introduction

The present study aimed to examine the indicators of political justice in the political structure of the Islamic Republic of Iran (IRI). Equal political participation and equal political selection play an important role in achieving political justice and fostering free and equitable conditions for an inclusive participation in social, political, security, and welfare issues. Political justice can be achieved by distributing

* Corresponding Author: ahmadbakh1-912@gmail.com

How to Cite: Aghanaqi, M. N., Bakshayesh Ardestani, A., Safaverdi, S., (2024), "Political Justice in the Political Structure of the Islamic Republic of Iran: Equal Political Participation, Selection, and the Opinions of Political Experts", *Political Strategic Studies*, 13(48), 33-66.

Doi: [10.22054/QPSS.2023.72098.3179](https://doi.org/10.22054/QPSS.2023.72098.3179)

resources, wealth, and opportunities in a fairly manner; monitoring and preventing political centralization, avoiding the unilateral and biased perspective, and fostering freedom to establish parties and civil institutions within legal boundaries. The proper implementation of political justice can significantly enhance the acceptability, legitimacy, and efficiency of the political system. Essentially, political justice aims to facilitate political participation for all members of society, ensuring equal conditions in their political choices. This in turn can lay the ground for meeting the requests and demands of members of the society.

Literature Review

In the article “Political Justice Discourse in the Islamic Revolution,” Eyvazi (2005) adopted a futures studies perspective to examine the gap between the current state of political justice in the IRI and the desired state from a future research perspective. According to Eyvazi, political justice should be safeguarded and protected in the IRI. Currently, the discourse on political justice encounters the challenge of political socialization among future generations, demanding a reassessment of methods in this regard. In “Political Justice in the Discourse of Political Jurisprudential Islam,” Mir Ahmadi and Shiri (2009) analyzed political justice from the perspective of Imam Khomeini (RA), focusing on three key indicators: equal political participation, equal political selection, and political security. They claim that the three indicators are recognized in the discourse of political jurisprudential Islam. However, the authors did not deal with the substantive differences between the jurisprudential discourse and other discourses.

The present research intended to examine political justice in the political structure of the IRI, emphasizing the equal political participation, equal political selection, and political security, as well as relying on the opinions of political elites.

Materials and Methods

As an applied study, the research adopted a mixed methods design as well as the descriptive-survey approach. Library research and field work were used to collect the data through three methods: questionnaires, interviews with experts, and thematic analysis.

Results and Discussion

The research findings indicated that equal political participation and equal political selection play an important role in realizing political justice and fostering free and equitable conditions for an inclusive participation in social, political, security, and welfare issues. Political justice can be achieved by distributing resources, wealth, and opportunities in a fairly manner; monitoring and preventing political centralization, avoiding the unilateral and biased perspective, and fostering freedom to establish parties and civil institutions within legal boundaries. Enhancing people's self-awareness of their role, position, and significance in the religious democracy system is a key element in achieving and improving political justice. If people understand the importance of participating in public votes and elections in the IRI, they are likely to exercise their right to vote in a more informed and responsible manner. This would prevent them from blindly succumbing to deviant and opportunistic propaganda of factions and groups, leading to a more active and greater presence in the political arena. If people recognize that officials in the Islamic political system are trustees of the people and not their owners—that the people themselves are the primary owners of the Revolution and the guardians of the officials—they will pursue their political demands in a legal, logical, and rational manner, prioritizing the interests of both society and the political system.

Conclusion

Political justice, as a symbol of social justice, can ensure the realization of citizens' rights, providing the ground for selection, participation, civic monitoring, and limits on power. It is essential that the educational system make the public more familiar with their citizens' rights, institutionalizing the idea that party activities, civil protests, and basic freedoms in society are culturally specific. If the culture of political participation is not acknowledged, public freedoms can lead to tyranny. Ultimately, responsible behavior as well as tolerance on the part of officials can play a significant role in political education of the public.

Keywords: Political Justice, Political Selection, Political Participation, Political Security, IRI



عدالت سیاسی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر شاخص مشارکت و گزینش سیاسی برابر با تأکید بر آرای نخبگان سیاسی

دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمدنبی آفاتقی

استاد گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

احمد بخشایش اردستانی *

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سوسن صفاوردی

چکیده

عدالت سیاسی به‌عنوان نمادی از عدالت اجتماعی است که با اجرای آن، حقوق شهروندی تحقق می‌یابد و زمینه انتخاب، مشارکت و نظارت شهروندان فراهم می‌آید. هدف از نگارش این پژوهش، بررسی شاخص‌های عدالت سیاسی در ساختار جمهوری اسلامی ایران است. نتایج نشان داد که به منظور تحقق عدالت سیاسی و فراهم آوردن شرایطی برابر برای همه جهت مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی، شاخص کلیدی مشارکت و گزینش سیاسی برابر ایفای نقش می‌کنند و توزیع برابر فرصت‌ها در جامعه، اعتنا به مفهوم نظارت، جلوگیری از تمرکزگرایی سیاسی، تلاش برای جلوگیری از یکسویه‌نگری و آزادی احزاب و نهادهای مدنی در چهارچوب قانون در جامعه و... می‌توانند به تحقق عدالت سیاسی کمک کنند. روش مورد استفاده در این مقاله، مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته است. جامعه آماری بخش کیفی پژوهش شامل خبرگان و افراد ذیصلاح در زمینه سیاسی‌اند که سوابق اجرایی در سطوح تصمیم‌گیری داشته و دارای کتب و مقالاتی در این حوزه بوده‌اند. روش تحقیق، توصیفی است و گردآوری اطلاعات به سه روش فیش‌برداری، مصاحبه با نخبگان و تحلیل مضمون صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: عدالت، عدالت سیاسی، گزینش سیاسی، مشارکت سیاسی، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

مفهوم عدالت از مفاهیم پایه‌ای و اساسی در فلسفه اخلاق و سیاست به شمار می‌رود و با مفاهیم دیگری همچون برابری، آزادی، رفع تبعیض و احقاق حقوق گره خورده است. عدالت همچنین ارتباط تنگاتنگی با مذهب، اخلاق، سیاست و جامعه دارد. عدالت هیچ‌گاه مربوط به جامعه‌ای خاص و مشخص نبوده بلکه در ادیان و در دوره‌های زمانی مختلف بحث عدالت و عدالت‌خواهی و تلاش برای تحقق آن همواره وجود داشته است. در دین اسلام هم تأکید ویژه‌ای بر عدالت شده و یکی از راه‌های ایجاد جامعه مطلوب و فاضله برقراری قسط و عدالت عنوان شده است، تا جایی که در اسلام عدالت معیاری برای سنجش حکومت‌هاست و این موضوع آنقدر مهم است که برخی مشروعیت یک نظام را بر پایه عادلانه یا غیر عادلانه بودن آن می‌سنجند و حکومت، زمانی مشروع تلقی می‌شود که در آن عدالت رعایت شده باشد (امام جمعه زاده، ۱۳۹۰: ۷۴).

عدالت در امر حکمرانی، مسئله‌ای کلان است که ساحت‌های مختلف سیاسی (عدالت سیاسی)، اجتماعی (عدالت اجتماعی)، اقتصادی (عدالت اقتصادی) و فرهنگی (عدالت فرهنگی) را در بر می‌گیرد. عدالت سیاسی به معنای حکمرانی عادلانه بر مردم به منظور تأمین «فرصت برابر»، برای «حق انتخاب کردن»، «حق انتخاب شدن» و «حق نظارت بر قدرت» در راستای توزیع عادلانه ثروت و قدرت در جامعه با هدف بهبود رفاه عمومی و ارتقای حقوق شهروندی می‌باشد (چاندوک، ۱۳۷۷: ۱۷).

عدالت سیاسی تخصیص حق‌مدارانه ارزش‌ها و امتیازات سیاسی است که به دستیابی شهروندان به حقوق‌شان می‌انجامد؛ به گونه‌ای که مناصب و فرصت‌های سیاسی به تناسب در اختیار آنان قرار می‌گیرد. با عدالت سیاسی، بستر «انتخاب شهروندان» فراهم و مسیر جامعه برای رسیدن به «حقوق سیاسی» گشوده می‌شود. امروزه حاکم مطرح نیست، نهادهای حکومتی مطرح است. چه کسی باید حکومت بکند مطرح نیست، چگونه می‌توان حکومت کرد، مطرح است، مساله امروز چگونگی عقلانی و عادلانه شدن سازمان حکومت است. درست که نفس عادلانه و عدالت‌درونی و معنوی مهم است اما چه بسا که شخصی با همین عدالت هم ظلم می‌کند زیرا که ساختار مهیا نیست و هر چه تلاش کند دستش به جایی نمی‌رسد یا آن که فرد می‌خواهد اما اشتباه تشخیص می‌دهد. لذا در عدالت

سیاسی، ساختار، مجموعه عادلانه در کنار عدالت فردی از اهمیتی دوچندان برخوردار است (سیدباقری، ۱۴۰۱: ۱-۳).

در این زمینه، سؤالاتی همواره به مثابه یک دغدغه فکری به ذهن متبادر می‌شود. آیا نظام جمهوری اسلامی بر اساس عدالت تاسیس شده است؟ آیا از منظر نخبگان سیاسی در نظام جمهوری اسلامی، عدالت سیاسی محقق شده است؟ ظرفیت‌های موجود برای تحقق عدالت سیاسی در جمهوری اسلامی به چه میزان است؟ آیا ساختار سیاسی جمهوری اسلامی در تحقق عدالت سیاسی در توزیع مناصب سیاسی موفق بوده است؟ آیا کارگزاران جمهوری اسلامی شایسته‌ترین افراد برای برعهده گرفتن این مناصب هستند؟ آیا مردم در قالب انجام فعالیت حزبی، صنفی و تشکیلاتی در سرنوشت سیاسی خود نقش داشته و دارند؟ مردم به چه میزان می‌توانند بر رفتار دولت مردان خود نظارت داشته باشند؟ نشانگان و مصادیق تحقق عدالت سیاسی چیست؟ موانع عدم تحقق عدالت سیاسی در جمهوری اسلامی چیست؟ پرسش اصلی این است که شاخص‌های عدالت سیاسی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران از منظر نخبگان سیاسی چگونه قابل تبیین است؟

پیشینه پژوهش

کتاب «عدالت سیاسی» به اهتمام سید کاظم سید باقری (۱۳۹۳)، متشکل از مجموعه مقالاتی است که به تبیین مسئله عدالت سیاسی در سیره معصومین (ع) و متفکران دینی معاصر نظیر امام خمینی (ره)، شهید صدر و آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است. این کتاب به مسئله عدالت سیاسی در جمهوری اسلامی بصورت عینی پرداخته نشده است.

اخوان کاظمی (۱۳۸۱)، در کتابی با عنوان «عدالت در نظام سیاسی اسلام» تلاش کرده است فراتر از نگاه‌های غربی به عدالت، عدالت را از منظر اسلام مورد کندو کاو قرار دهد. البته تلاش اخوان کاظمی در این کتاب در سطح بحث‌های بنیادی و مقدماتی باقی مانده و عملاً طرحی برای عرصه عمل ارائه نمی‌کند.

محمد علی ندائی (۱۳۸۵)، در کتاب «عدالت در گفتمان انقلاب اسلامی» با محور قرار دادن قانون اساسی جمهوری اسلامی کوشیده است تا سطوح و وجوه عدالت را در گفتمان انقلاب اسلامی تشریح نماید. رویکرد نویسنده در این نوشتار حقوقی است.

غلامرضا خواجه سروی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای با عنوان «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی» تلاش کرده است تقریرات مختلف عدالت در گفتمان‌های سیاسی مختلف در دولت‌های مختلف نشان دهد. به اعتقاد خواجه سروی مفهوم عدالت با وجود گفتمان‌های مختلف عدالت در دولت‌های مختلف حکایت از یک نظریه تام و کامل در اندیشه سیاسی نظام جمهوری اسلامی دارد.

محمدرحیم عیوضی (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان «گفتمان عدالت سیاسی در انقلاب اسلامی» تلاش کرده است از منظری آینده‌پژوهانه به فاصله موجود در وضعیت عدالت سیاسی در جمهوری اسلامی و وضعیت مطلوب پردازد. به اعتقاد نویسنده، عدالت سیاسی نیازمند پاسداری و صیانت در جمهوری اسلامی است و در حال حاضر گفتمان عدالت سیاسی با چالش جامعه‌پذیری سیاسی در میان نسل‌های پیش رو مواجه است که بازنگری و اصلاح روش‌ها را در این رابطه می‌طلبد.

میراحمدی و اکرمی (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «عدالت سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی» تلاش کرده است با مبنا قرار دادن شاخص‌های عدالت سیاسی (مشارکت سیاسی برابر، گزینش سیاسی برابر و امنیت سیاسی) آن را در دیدگاه‌های امام خمینی (ره) مورد واکاوی قرار دهد. به اعتقاد میراحمدی و اکرمی شاخص‌های سه‌گانه در این گفتمان مورد پذیرش واقع شده است. البته نگارندگان به تفاوت ماهوی پذیرش این شاخص در گفتمان فقهاتی با سایر گفتمان‌ها اشاره نمی‌کنند.

در واقع این مقاله تلاش می‌کند عدالت سیاسی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران را مبتنی بر سه شاخص مشارکت سیاسی برابر، گزینش سیاسی برابر و امنیت سیاسی برای همه، با تأکید بر آرای نخبگان سیاسی مورد تدقیق قرار دهد و کاستی‌های موجود در این زمینه را برجسته نماید.

مبانی نظری و تعاریف

در دوره معاصر، جان رالز (۱۹۲۱-۲۰۰۲) شهیرترین و برجسته‌ترین فیلسوف غربی در حوزه عدالت‌پژوهی است. اهمیت و جایگاه نظریه عدالت رالز سبب شده است که عموم عدالت‌پژوهان لیبرال یا در تأیید دیدگاه وی آثاری منتشر کنند یا در طراحی نظریه عدالت خود، ناگزیر از نقد دیدگاه او باشند. بر اساس مفهومی که رالز از عدالت مراد می‌کند،

همه منافع اجتماعی اولیه (آزادی، فرصت، درآمد، ثروت و عزت نفس) باید به تساوی میان شهروندان توزیع شود مگر آنکه توزیع نابرابر هر یک از آنها یا مجموع آنها به نفع کم برخوردارترین شهروندان گردد (توانا، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

نظریه عدالت اجتماعی صدر یکی از مشهورترین دیدگاه‌های اسلامی در این باره می‌باشد. نظریه عدالت اجتماعی صدر از ارکان سه‌گانه طرح اقتصاد اسلامی او یعنی عدالت اجتماعی، مالکیت چندگانه و اصل آزادی اقتصادی محدود می‌باشد. به اعتقاد صدر عدالت اجتماعی در اسلام مبتنی بر دو اصل است: (سرآبادانی تفرشی، ۱۳۹۵: ۵۱) اول؛ اصل تعادل و توزان اجتماعی و دوم؛ اصل تأمین اجتماعی. اصل تأمین اجتماعی نیز بر دو رکن استوار است: اول؛ رکن تکافل اجتماعی: «یعنی مسئولیت متقابل افراد نسبت به همدیگر... حاکی از لزوم تأمین حاجت‌های حیاتی و ضروری افراد (صدر، ۱۳۹۱: ۲۹۰) و دوم؛ رکن کفالت دولت یعنی دولت موظف است که سطح زندگی متناسب با شرایط و مقتضیات روز را برای افراد تضمین و تأمین نماید (صدر، ۱۳۹۱: ۲۹۰).

در عدالت سیاسی دو امر لازم و ضروری است: نخست، قانون در جهت برآورده ساختن خواسته‌ها و لوازم آزادی برابر که باید عادلانه باشد و دوم اینکه نظام به شکلی چارچوب‌بندی گردد که نسبت به همه سامانه‌های عادلانه ممکن، به یک نظام قانونگذاری عادلانه و کارآمد منجر شود (رالز، ۱۳۷۸: ۳۴۲). از سوی دیگر باید توجه داشت که «عدالت سیاسی اساس عدالت اجتماعی می‌باشد و عدالت اجتماعی اشاره‌ای است به روندهای اجتماعی منصفانه در تقسیم و توزیع فرصت‌ها، پاداش‌ها و منزلت‌ها که اصالتی انسانی و جهان‌شمول دارد» (Miller, 1999: 33).

عدالت

کلمه «عدل» به معنای مثل، قیمت، ارزش، لنگه و کلمه «عدَل» به معنای مساوات میان دو لنگه یا دو همانند است. اعتدال، راستی و میانه‌روی، راست شدن و صاف شدن معنا می‌شود. مؤلف لسان العرب «اعتدال» را حد وسط میان دو حالت در کمیّت و کیفیت معنا کرده است. به بیان وی، عدالت در نفوس انسان مایه اعتدال، ترتیب، استقامت و انتظام می‌گردد (آشوری، ۱۳۷۳: ۸۳). در اسلام و در بین اندیشمندان و فلاسفه اسلامی نیز، عدالت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است تا آنجا که گفته‌اند «بالعدل قامت السموات والأرض»؛ به

وسیله عدل، آسمان‌ها و زمین برپا داشته شده‌اند و در پرتو عدل است که معاش و معاد انسان‌ها تکمیل می‌شود و از همین روست که خداوند متعال انسان‌ها را به عدل و احسان امر کرده است (جمال زاده، ۱۳۸۷: ۶). با بررسی نظریات اندیشمندان در باب مفهوم عدالت، بر قرار دادن هر چیز در جای خودش و دادن حق به صاحب حق و تعادل و توازن در حق و حقوق به‌عنوان معانی مشترک تأکید شده است (میلانی، ۱۳۹۰: ۷۳-۸۸).

عدالت سیاسی

در بیان مفهوم عدالت سیاسی برخی این مفهوم را دستیابی همه انسان‌ها به بلوغ و کمال و برابری آنها در برابر قانون دانسته‌اند. به عبارت دیگر عدالت سیاسی آن است که قانون افراد را به یک چشم ببیند و برخی دیگر عدالت سیاسی را رعایت حقوق افراد و حق مناسب هر کس را به او دادن و او را در جای خود قرار دادن معرفی کرده‌اند در تعریف دیگر از عدالت سیاسی گفته شده ارزشی است که با فراگیر شدن آن امور جامعه در پیوند با قدرت به تناسب در جای خود قرار می‌گیرد. همچنین برخی نظریه عدالت توافقی و مبتنی بر رضایت را مطرح کرده‌اند؛ به طوریکه رضایت عمومی شاخص سنجش عدالت در هر نظام سیاسی است (ضیا، ۱۳۹۸: ۳۳۰-۳۳۱).

در عدالت سیاسی دو امر لازم و ضروری است: نخست، قانون در جهت برآورده ساختن خواسته‌ها و لوازم آزادی برابر که باید عادلانه باشد و دوم اینکه نظام به شکلی چارچوب‌بندی شود که نسبت به همه سامانه‌های عادلانه ممکن، به یک نظام قانونگذاری عادلانه و کارآمد منجر شود (رالز، ۱۳۷۸: ۳۴۲).

منظور از عدالت سیاسی؛ ارزشی است که با فراگیر شدن آن، امور جامعه در پیوند با قدرت به تناسب در جای خود قرار می‌گیرد و حقوق شهروندان به شایستگی ادا می‌شود. با عدالت سیاسی، بستر «انتخاب شهروندان» و «محدودیت قدرت»، فراهم و مسیر جامعه برای رسیدن به «حقوق سیاسی» گشوده می‌شود (شریعت، ۱۳۷۸: ۷-۲۴). منظور از عدالت سیاسی آن است که امور کشور به نحو شایسته اداره شود تا مردم در یک فضای عادلانه به زندگی خود ادامه دهند. برخورداری از برابری، امنیت و آسایش به‌عنوان حقوق طبیعی افراد جامعه تأمین‌کننده این فضای عادلانه خواهد بود (آشوری، ۱۳۸۳: ۲۰۷). عدالت سیاسی به معنای رعایت اصل عدل در عرصه‌های نظری و عملی سیاست است و با مفاهیم

سیاسی مانند قدرت، مشروعیت، آزادی و برابری، تبعیت و اجبار سیاسی و عناصر و نهادهای عینی اعمال قدرت (مفاهیم دولت و حکومت) و روش تولید و توزیع قدرت سیاسی در ارتباط است. عدالت سیاسی، بنیادی است شرعی، اخلاقی و برهانی که با رفع محدودیت‌های ساختگی مشارکت برابر و آزادانه عموم در عرصه‌های سیاسی را مهیا می‌سازد و زمینه تحقق توانمندی‌ها و استعداد‌های شهروندان با توجه به تلاش آنان فراهم می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

عدالت سیاسی به حوزه قدرت و سیاست و مشارکت مردم مربوط می‌شود. اینکه حاکمان مشروعیت خود را چگونه به دست می‌آورند و در نزد مردم مشروعیت دارند یا خیر؟ می‌تواند با عدالت سیاسی مرتبط باشد. از دیدگاه مردم اگر حاکم سیاسی شایستگی احراز این مقام را داشته باشد حکومت عادلانه است در غیر این صورت اگر با زور و اجبار قدرت را تصاحب کرده باشد، آن حکومت ظالم است و فرمانبرداری از آن جایز نیست. در مقام اجرا نیز حکومتی عادل است که با رفع محدودیت‌ها امکان مشارکت برابر و آزاد را برای مردم در زمینه‌های سیاسی فراهم کند و قدرت و مناصب سیاسی را بر حسب استعداد و شایستگی افراد تقسیم نماید (جمال‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۲).

عدالت سیاسی از عدالت در خانواده، عدالت اقتصادی، عدالت فرهنگی و عدالت بهداشتی مهم‌تر است، به خاطر این که انسجام یک جامعه به همسو بودن اراده‌ها در فعل جمعی است (لک زایی، ۱۳۹۰: ۸۲).

عدالت سیاسی دو رویه دارد: نخست، قانون در جهت برآورده ساختن خواسته‌ها و لوازم آزادی برابر باید عادلانه باشد و دوم، اینکه به نحوی چهارچوب‌بندی شود که نسبت به همه سامانه‌های عادلانه ممکن محتمل‌تر به یک نظام قانون‌گذاری عادلانه و کارآمد منجر شود (میراحمدی و شیری، ۱۳۸۸: ۶۵).

جان رالز، فیلسوف سیاسی قرن بیستم معتقد است عدالت علاوه بر آنکه متضمن مفهوم برابری سیاسی است، رعایت انصاف در تصمیم‌گیری‌های مربوط به روابط اجتماعی به مفهوم عام آن و در نتیجه عدالت اجتماعی حاصل از این تصمیم‌گیری‌ها را نیز شامل می‌شود. در اندیشه وی اصول عدالت، تأمین‌کننده شیوه تعیین حقوق و وظایف در نهادهای سیاسی جامعه، توزیع مناسب منافع و مسئولیت همکاری اجتماعی است. وی این

تلقی از عدالت را عدالت سیاسی یا تصور کاملاً سیاسی از عدالت نامید (میراحمدی و شیرینی، ۱۳۸۸: ۶۵). مفهوم عدالت به‌ویژه عدالت سیاسی از آرمان‌های مهم بشری است و از مفاهیم مهم و کلیدی در تفکر اندیشمندان و فلاسفه در طول دوران‌های مختلف بوده است.

عدالت در عرصه سیاسی به بالا بودن میزان رضایت و اعتماد عمومی نسبت به نظام، بالا بودن میزان حس آزادی، عزت و استقلال، بالا بودن میزان امید و خودباوری به‌ویژه در میان جوانان، بالا بودن حس وجود ثبات و امنیت در کشور در میان مردم، بالا بودن سطح مشارکت عمومی، بالا بودن میزان شایسته‌سالاری و قانون‌گرایی در میان مدیران، بالا بودن رضایت عمومی از دستگاه‌های دولتی و نبود هرگونه فساد در میان آنها بر می‌گردد (خرمشاد، ۱۳۹۷: ۹۵). عدالت سیاسی مبنای عدالت اجتماعی است و تحقق آن در جامعه بسیار ضروری است تا جایی که فقدان عدالت اقتصادی و عدالت فرهنگی به فقدان عدالت سیاسی بر می‌گردد (لک زایی، ۱۳۹۰: ۸۳).

در اسلام بر عدالت شخصی تأکید شده است که می‌توان آن را زمینه عدالت سیاسی و عدالت اجتماعی دانست، چرا که تحقق عدالت سیاسی و اجتماعی بدون عادل بودن مجریان در جامعه امکان‌پذیر نمی‌باشد و همواره یکی از ویژگی‌های مهم حاکم اسلامی را عادل بودن او ذکر کرده‌اند. در سوره نسا آیه ۵۸ در مورد عدالت شخصی آمده است: «وإذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل» و چون بین مردم به حکومت برخاستید به عدل حکومت کنید. از نظر شهید مطهری، عدالت فردی زیربنای عدالت اجتماعی و عدل الهی و ایمان و عقیده نیز پایه و زیر بنای عدالت فردی است؛ بنابراین عدالت فردی نیز بسیار مهم و اساسی می‌باشد (شریعت، ۱۳۸۷: ۲۴۲).

عدالت شخصی پایه عدالت تقنینی، اجرایی و قضایی است؛ به عبارت دیگر با وجود قانون‌گذار، مجری و قاضی عادل است که می‌توان از قانون، اجرا و قضاوت منصفانه سخن به میان آورد. از طرفی دیگر عملکرد و رفتار مردم جامعه متأثر از رفتار هیأت حاکمه است چرا که مردم بر دین و شیوه هیأت حاکمه عمل می‌نمایند «الناس علی دین ملوکهم» (کیخا، ۱۳۸۳: ۱۸۱).

عدالت سیاسی به حوزه قدرت و سیاست و مشارکت مردم مربوط می‌شود. اینکه حاکمان، مشروعیت خود را چگونه به دست می‌آورند و در نزد مردم مشروعیت دارند یا خیر؟ می‌تواند با عدالت سیاسی مرتبط باشد. از دیدگاه مردم، اگر حاکم سیاسی شایستگی احراز این مقام را داشته باشد، حکومت عادلانه است؛ در غیر این صورت اگر با زور و اجبار قدرت را تصاحب کرده باشد، آن حکومت ظالم است و فرمانبرداری از آن جایز نیست. همچنین در مقام اجرا نیز حکومتی عادل است که با رفع محدودیت‌ها، امکان مشارکت برابر و آزاد را برای مردم در زمینه‌های سیاسی فراهم کند و قدرت و مناصب سیاسی را برحسب استعداد و شایستگی افراد تقسیم کند.

نخبگان سیاسی

نخبگان یا سرآمدان به بخشی از افراد جامعه اطلاق می‌شود که توانایی تأثیرگذاری و اثربخشی بیشتری نسبت به سایر آحاد جامعه دارند. واژه نخبه که معادل انگلیسی آن «الیت» است، در اصل به معنای هر چیز مرغوب و ممتاز و سرآمد بوده است. در نظر ویلفرد پاره تو نخبگان یا برگزیدگان مشتمل بر تمام کسانی هستند که دارای خصوصیات استثنایی و منحصر به فرد بوده و یا دارای استعداد و قابلیت‌های عالی در زمینه کار خود و یا در بعضی فعالیت‌ها باشد. بنابراین پاره تو نخبگان را از اعضای ممتاز جامعه محسوب می‌دارد، یعنی افرادی که بر اثر خصوصیات ممتازشان صاحب قدرت یا شخصیت می‌گردند (روشه، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

منظور از «نخبگان سیاسی» در این پژوهش، چهره‌های مجرب و مطرحی هستند که طی سالیان متمادی در فضای سیاسی کشور تنفس کرده، سابقه تصدی‌گری مسئولیت‌هایی مهم در ردیف وزارت، نمایندگی مجلس و... را در رزومه کاری خود دارند، دارای تحصیلات دانشگاهی آکادمیک می‌باشند و از جناح‌های سیاسی متنوع اصولگرا، اصلاح‌طلب و مستقل می‌باشند.

روش‌شناسی

روش پژوهش بر مبنای ماهیت داده‌ها، آمیخته (کمی و کیفی)، از حیث بعد محیط، از نوع کتابخانه‌ای - میدانی و از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرای پژوهش، توصیفی - پیمایشی است.

گردآوری اطلاعات به سه روش صورت گرفته است: فیش‌برداری، مصاحبه با خبرگان و تحلیل مضمون. در بین روش‌های تحقیق مورد استفاده در حیطه علوم اجتماعی و انسانی، می‌توان به روش مصاحبه با خبرگان یا متخصصان به‌عنوان یکی از روش‌های پرکاربرد اشاره نمود. مصاحبه با خبرگان زمانی صورت می‌گیرد که موضوع تحقیق برای واکاوی و بررسی نیازمند نظر و توضیحات متخصصان آن حوزه است و این متخصصان به نوعی منابع اصلی در دستیابی به داده‌های تحقیق به حساب می‌آیند. در برخی زمینه‌ها تنها منابع قابل مراجعه به منظور گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز تحقیق، همین افراد متخصص می‌باشند. در تعریف مصاحبه با خبرگان می‌توان به مورد ذیل به‌عنوان یکی از تعاریف موجود در این زمینه اشاره نمود: موزر و ناگل مصاحبه با متخصصان را نوعی مصاحبه نیمه‌استاندارد می‌دانند. در اینجا برخلاف مصاحبه‌های زندگینامه‌نگارانه به مصاحبه شونده نه به‌عنوان یک شخص بلکه به قابلیتش به‌عنوان متخصص در یک حوزه خاص توجه می‌شود. متخصصان نه به‌عنوان یک مورد منفرد بلکه به منزله نمایندگان یک گروه در نمونه گنجانده می‌شوند (فلیک، ۱۳۹۱: ۳۴۴).

برای انجام این پژوهش، محقق با تکیه بر تجربه طولانی‌مدت حضور در فضای سیاسی برنجگانی متمرکز شد که تجربه کافی حضور در این فضا داشتند؛ یعنی حداقل بیش از سی و پنج سال دارای فعالیت سیاسی در عرصه‌های مختلف اجرایی، مدیریتی، آموزشی و... دارند؛ در نهایت، از میان افرادی که تمایل خود را برای انجام مصاحبه اعلام کردند با تعدادی از آنها مصاحبه شد. در جدول یک ویژگی‌های کلی پاسخگویان ذکر شده است.

جدول ۱- مشخصات پاسخگویان پژوهش

نام	جنس	سن	فعالیت مدیریتی در عرصه سیاسی	فعالیت آموزشی (تدریس در دانشگاه و...)	فعالیت پژوهشی (نگارش کتاب، مقاله علمی و...)	فعالیت مطبوعاتی (مقالات ژورنالیستی و...)	مدت فعالیت سیاسی
محمد رضا باهنر	مرد	۶۹	✓	✓	-	✓	۴۵ سال
سید محمد حسن ابوترابی	مرد	۶۸	✓	-	-	✓	۴۵ سال
حمید مولانا	مرد	۸۵	✓	✓	✓	✓	۶۰ سال
سید مرتضی نبوی	مرد	۷۶	✓	✓	✓	✓	۴۵ سال
مصطفی کواکبیان	مرد	۵۹	✓	✓	✓	✓	۳۵ سال
سید محمد حسینی	مرد	۶۰	✓	✓	✓	✓	۴۰ سال
لاله افتخاری	زن	۶۲	✓	✓	✓	✓	۳۵ سال
محمد ناظمی اردکانی	مرد	۶۸	✓	✓	✓	✓	۴۵ سال

بر این اساس هفت سؤال اصلی برای مصاحبه‌ها طراحی شده است و برای هر سؤال اصلی نیز چندین سؤال فرعی طرح گردید. در مسیر انجام مصاحبه پژوهشگر با طرح پرسش‌های راهنما، صحت دریافت خود را از مباحث افراد منتخب تطبیق داده است. محقق در مسیر انجام تحقیق، یافته‌ها را مورد بررسی قرار داده تا برخی از داده‌ها که دارای نقص بودند را با داده‌ها و اطلاعات جایگزین تکمیل نماید. بعد از انجام هشت مصاحبه حضوری، عوامل اصلی و فرعی در مصاحبه‌های قبلی تکرار می‌شد و محقق به مرحله اشباع می‌رسد. مدت زمان انجام هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه بود که در ادامه سؤال‌های پژوهش ارائه می‌گردد.

جدول ۲ - سؤال‌های مصاحبه

سؤال
مؤلفه‌های تحقق «مشارکت سیاسی برابر» کدامند؟
مؤلفه‌های تحقق «گزینش سیاسی برابر» کدامند؟
بایدها و نبایدهای عدالت سیاسی ناظر به حقوق اساسی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کدامند؟
در مسئله عدالت سیاسی با چه کمیت و کیفیتی قوای سه گانه مقننه، قضاییه و مجریه در کانون توجه قرار می‌گیرند؟
با اجرای عدالت سیاسی حقوق شهروندی چگونه تحقق می‌یابد و زمینه انتخاب، مشارکت، نظارت شهروندان و محدودیت قدرت را فراهم می‌آورد؟
نشانیگان و مصادیق تحقق عدالت سیاسی در شکل‌گیری الگوی حکمرانی مطلوب چیست؟

شیوه‌ای که در اینجا برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود، تحلیل مضمونی یا تماتیک است و اسمیت و اوسبورن (۲۰۰۷) آن را معرفی کرده‌اند که هدف آن ارائه تصویری روشن از ادراکات، احساسات و تجربیات افراد در مورد موضوع مطالعه است (Braun & Clarke, 2006: 23).

برای افزایش قابلیت اعتماد یافته‌های پژوهش، پروتکل مصاحبه شامل شیوه شروع مصاحبه، ورود به بحث و سیر پرسش‌ها تدوین و در طول مصاحبه‌ها راهنمای پژوهشگر در مصاحبه بود تا پراکنده‌گویی و نوسان زیاد در مصاحبه‌ها اتفاق نیفتد و از سوی دیگر با مشخص نمودن سؤالات اصلی مصاحبه، روایی پژوهش نیز حفظ شده است. در واقع مستقل بودن پژوهشگر نسبت به موضوع پژوهش و حذف تعصب و پیش‌فرض‌های غیر لازم، مهم‌ترین عنصر پایایی در پژوهش‌های کیفی است (نریمانی، ۱۳۹۶: ۹۳).

در این پژوهش روش نمونه‌گیری، کیفی است که بر این اساس مفاهیم مابین تحلیل داده‌ها ارتقا یافته‌اند به گونه‌ای که در حین انجام تحلیل و تفسیر نتایج ضمنی بدست می‌آید، در ضمن بازوی اصلی این پژوهش انجام مصاحبه می‌باشد.

در مرحله کدگذاری، پژوهشگر برای اینکه بتواند با تعداد کدهایی کمتر کار کند، پس از مرور چندباره و تعیین شباهت‌ها و تفاوت‌ها، کدهایی که محتوای مشترکی داشتند، در هم ادغام نمود و با کدی مشترک که از کدهای اولیه انتزاعی‌تر بود، نامگذاری گردید و این کار با در نظر گرفتن یافته‌های نظری با رفت و آمدهای متوالی بین کدهای باز و

مقوله‌های محوری اولیه انجام شده و در نهایت، مقوله‌هایی که قدرت مفهومی بیشتر داشتند و بهتر می‌توانستند مفاهیم و خرده مقولات را پیوند دهند، انتخاب شدند.

مرتبط با شاخص‌های عدالت سیاسی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران بیست کد استخراج شده در پنج محور با عناوین: حق انتخاب و تصمیم‌گیری در تعیین سرنوشت کشور، حق نظارت و انتقاد بر مسئولان، حق تشکیل تشکلهای غیردولتی و مردمی، حق برابر در دستیابی به مناصب کلان حاکمیتی، حق برابر در دستیابی به موقعیت‌های برتر و شاخص اجتماعی و سیاسی دسته‌بندی شده است (نتایج کدگذاری در جدول شماره ۴).

جدول ۴- کدگذاری و شیوه تحلیل و ترکیب مفاهیم اولیه در قالب مفاهیم ثانویه

مفاهیم ثانویه	فراوانی	مفاهیم اولیه
حق انتخاب و تصمیم‌گیری در تعیین سرنوشت کشور	۱۰	مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی
	۱۰	رای‌گیری و انتخابات
	۷	نظرخواهی و اعمال نظرات مردم در مدیریت کشور
حق نظارت و انتقاد بر مسئولان	۸	اصل نظارت همگانی (امربه معروف و نهی از منکر)
	۲	نظرات بر عملکرد اجرایی و مدیریتی
	۶	نظارت بر اموال مسئولان
	۷	انتقاد از شکل‌گیری فساد اداری (ساز و کارها و فرایندها)
حق تشکیل تشکلهای غیر دولتی و مردمی	۳	حق تشکیل احزاب
	۷	حق تشکیل جمعیت‌ها و ان‌جی‌اوها
	۳	حق تشکیل انجمن‌های سیاسی و صنفی
	۲	حق برگزاری راهپیمایی‌ها
حق برابر در دستیابی به مناصب کلان حاکمیتی	۴	حق رسیدن به مقام ریاست جمهوری
	۸	حق رسیدن به مقام نمایندگی مردم در مجلس
	۵	نهی تفاضل طلبی اجتماعی
حق برابر در دستیابی به موقعیت‌های برتر و شاخص اجتماعی و سیاسی	۹	التزام به اصل شایسته‌سالاری
	۱۰	نهی تبعیض‌های قومیتی و نژادی
	۶	نهی تبعیض‌های مذهبی
	۸	نهی تبعیض‌های جنسیتی
	۸	مشارکت در نهاد شوراهای شهر و روستا
۵	تصدی مشاغل مهم اجتماعی (وکالت، استادی دانشگاه و ...)	

در این مرحله چارچوب اصلی شاخص‌های عدالت سیاسی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران با پوشش عناوین: مشارکت و گزینش سیاسی برابر برای همه است که در جدول زیر (جدول ۵) مشاهده می‌گردد.

جدول ۵ - کد انتخابی و محوری شاخص‌های عدالت سیاسی

کد محوری	کد انتخابی	هسته مرکزی
حق انتخاب و تصمیم‌گیری در تعیین سرنوشت کشور	مشارکت سیاسی برابر	شاخص‌های مفهوم و جایگاه عدالت سیاسی
حق نظارت و انتقاد بر مسئولان		
حق تشکیل تشکل‌های غیر دولتی و مردمی		
حق برابر در دستیابی به مناصب کلان حاکمیتی	گزینش سیاسی برابر	
حق برابر در دستیابی به موقعیت‌های برتر و شاخص اجتماعی و سیاسی		

یافته‌ها

شاخص‌ها و مصادیق عدالت سیاسی

مولفه مشارکت سیاسی برابر

رأی دادن شهروندان به احزاب، افراد و سیاست‌ها، مبارزات انتخاباتی، اعمال نفوذ بر سیاستمداران و تشکیل گروه‌های نفوذ و احزاب سیاسی از اشکال متعدد مشارکت سیاسی به شمار می‌روند (بشیریه، ۱۳۸۲: ۳۷۶-۳۷۵).

در فرآیند کد گذاری انتخابی با کدهای محوری «حق انتخاب و تصمیم‌گیری در تعیین سرنوشت کشور»، «حق نظارت و انتقاد بر مسئولان» و «حق تشکیل تشکل‌های غیردولتی و مردمی» شناخته می‌شود.

الف- حق انتخاب و تصمیم‌گیری در تعیین سرنوشت کشور

فرد می‌تواند در تعیین سرنوشت خویش و در وضعیت برابر سیاسی، تعیین‌کننده باشد و از امکانات و فرصت‌های برابر بهره‌مند گردد. عدالت و آزادی در فرایندی تعاملی مکمل یکدیگرند و نمی‌توان به بهانه ایجاد یکی، از دیگری گذر کرد.

ب- حق نظارت و انتقاد بر مسئولان

در بیشتر کشورها راهکارهایی به منظور مقابله با «فساد سیاسی» در نظر گرفته شده است که از جمله مهمترین این سازوکارها می‌توان به لزوم نظارت مداوم بر وضعیت مالی مقامات و مسئولان کشور و بازگرداندن اموال و دارایی‌های نامشروع آنان با استفاده از امکانات و منابع عمومی است.

«اصل نظارت همگانی (امربه معروف و نهی از منکر)»، «نظارت بر عملکرد اجرایی و مدیریتی»، «نظارت بر اموال مسئولان» و «انتقاد از شکل‌گیری فساد اداری (ساز و کارها و فرایندها)» از مهم‌ترین مؤلفه‌های حق نظارت و انتقاد بر مسئولان محسوب می‌شود.

پ- حق تشکیل تشکل‌های غیردولتی و مردمی

مشارکت از لحاظ مفهومی گسترده‌تری دارد. به همین خاطر در ادبیات توسعه از مشارکت سیاسی تعاریف متعددی ارائه شده است. به‌عنوان نمونه، میلبراث و گوئل در تعریف مشارکت سیاسی می‌نویسند: «فعالیت‌های شهروندان آزاد که هدف از انجامش حمایت از و یا تأثیرگذاری بر سیاست و حکومت می‌باشد» (Milbrath and Goel, 1972: 2).

مشارکت سیاسی دارای دو تقسیم‌بندی است: ۱- مشارکت مستقیم، ۲- مشارکت غیرمستقیم. دخالت در تعیین سرنوشت و انتخاب و نظارت بر نظام سیاسی حاکم بر خود به صورت رأی دادن در چارچوب احزاب فراگیر را می‌توان مشارکت سیاسی مستقیم نامید، همچون انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در ایران؛ اما مشارکت سیاسی غیرمستقیم راهکاری برای دخالت مردم در امور سیاسی است به طوری که در این سیستم سیاسی، فعالیت‌های حزبی اولویت اول را داراست و ایجاد احزاب برای تأمین حداقل ثبات اجتماعی و سیاسی امری ضروری است (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۱۲۹).

در اصل ۴۳ قانون اساسی؛ شهروندان از حق تشکیل، عضویت و فعالیت در احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و صنفی و سازمان‌های مردم‌نهاد با رعایت قانون برخوردارند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

در طی دو دهه گذشته، عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد یا سَمَن‌ها که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌شوند، گسترش یافته و توانسته است نقش بسیار مهمی را به‌عنوان واسطه بین آحاد جامعه و حاکمیت ایفا نمایند.

یکی دیگر از آزادی‌های اساسی مردم، آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها است. در حال حاضر آزادی اجتماعات هم مثل دیگر آزادی‌ها در کشورهای مختلف پذیرفته شده است به طوری که اشخاص می‌توانند با کسب اجازه در محل معینی جمع شده و درباره مسائل سیاسی، اجتماعی و ... تبادل نظر نمایند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این امر پذیرفته شده و در اصل ۲۷ آمده است: تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون سلاح به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

آنچه در این تحقیق در حوزه مشارکت سیاسی برابر و مقوله محوری «حق انتخاب و تصمیم‌گیری در تعیین سرنوشت کشور» مطرح شده بود عبارت است از؛ عمده افراد طرف گفتگو بیشترین توجه را به مفهوم اولیه؛ رأی‌گیری و انتخابات مبذول داشته بودند و در اولویت دوم به مفهوم اولیه؛ مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی توجه ویژه‌ای داشته‌اند و مفهوم؛ نظرخواهی و اعمال نظرات مردم در مدیریت کشور از طرف پاسخگویان در اولویت سوم توجه قرار داشت.

در مقوله محوری، حق نظارت و انتقاد بر مسئولان، عمده پاسخگویان بر این مقوله محوری و مفاهیم مرتبط آن تاکید داشته‌اند. در خصوص مقوله محوری حق تشکیل تشکلهای غیر دولتی و مردمی، اولویت اول مصاحبه‌شوندگان؛ حق تشکیل احزاب و حق تشکیل انجمن‌های سیاسی و صنفی بوده است و حق تشکیل جمعیت‌ها و انجمن‌ها و اوها و حق برگزاری راهپیمایی‌ها و تجمع‌ها در اولویت بعدی قرار داشتند (نتایج مندرج در جدول شماره ۶).

جدول ۶- تحلیل مؤلفه‌های شاخص مشارکت سیاسی برابر

ابعاد	مؤلفه‌های شاخص مشارکت سیاسی برابر در مصاحبه	منبع	مؤلفه‌های شاخص مشارکت سیاسی برابر در ادبیات
حق انتخاب و تصمیم‌گیری در تعیین سرنوشت کشور	✓	دلشاد نهرانی، مصطفی (۱۳۸۰) جعفری، عبدالله (۱۳۹۳).	مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی
	✓	سراجی، محمود (۱۳۸۸). کیخا، نجمه (۱۳۸۹).	رای‌گیری و انتخابات
	✓		نظرخواهی و اعمال نظرات مردم در مدیریت کشور
حق نظارت و انتقاد بر مسئولان	✓	اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۱) دلشاد نهرانی، مصطفی (۱۳۸۰)	اصل نظارت همگانی (امربه معروف و نهی از منکر)
	✓	عبدالی، زانیا؛ نیاکوئی، امیر (۱۳۹۸).	نظرات بر عملکرد اجرایی و مدیریتی
	✓	جعفری، عبدالله (۱۳۹۳). واعظی، احمد (۱۳۹۳).	نظارت بر اموال مسئولان
	✓	تقوی، محمدآصف و جابری، علی (۱۳۹۴).	انتقاد از شکل‌گیری فساد اداری (ساز و کارها و فرایندها)
حق تشکیل تشکل‌های غیردولتی و مردمی	✓	نوروزی، محمد جواد (۱۳۸۷).	حق تشکیل احزاب
	✓		حق تشکیل جمعیت‌ها و ان‌جی‌اوها
	✓	عبدالی، زانیا؛ نیاکوئی، امیر (۱۳۹۸). کیخا، نجمه (۱۳۸۹).	حق تشکیل انجمن‌های سیاسی و صنفی
	✓		حق برگزاری راهپیمایی‌ها و تجمع‌ها

مؤلفه برابری فرصت‌ها

منظور از مؤلفه برابری فرصت‌ها یا همان گزینش سیاسی برابر، حق برابر شهروندان در دستیابی به مناصب و موقعیت‌هایی است که در واقع حق انتخاب شدن می‌نامیم. انتخاب شدن بر خلاف انتخاب کردن، بالاترین سطح مشارکت سیاسی است. از طریق گزینش، افراد مسئولیت‌ها و مقامات رسمی را در یک نظام سیاسی به دست می‌آورند و عهده‌دار اداره امور جامعه می‌گردند (میراحمدی و شیری، ۱۳۸۸: ۸۱).

در شرایطی که حکومت بر اساس امتیاز استوار باشد اصلاحات را تند و رادیکال می‌سازد و در نتیجه در مقابل آن مقاومت‌های مختلفی رخ می‌دهد. برابری مردم در حق حکومت هدف اصلی عدالت‌خواهی سیاسی بوده است و دموکراسی حد مقدور عدالت سیاسی در جوامع بشری را ممکن می‌سازد.

در این پژوهش با به دست آمدن اطلاعات از مصاحبه با صاحب‌نظران و فعالان سیاسی، ریزشاخص‌های «حق برابر در دستیابی به مناصب کلان حاکمیتی» و «حق برابر در دستیابی به موقعیت‌های برتر و شاخص اجتماعی و سیاسی» استخراج گردید.

الف - حق برابر در دستیابی به مناصب حاکمیتی

نظر به روند دموکراتیک رسیدن به مناصب سیاسی مانند رهبری، رئیس‌جمهوری، خبرنگاران رهبری، مجلس و شوراهای سرجمع فرصت‌های متعددی از لحاظ کمی در طول حیات جمهوری اسلامی فراهم بوده است. به نظر می‌رسد عملکرد جمهوری اسلامی در التزام به این شاخص عدالت سیاسی نسبتاً قابل قبول باشد.

در اصل بیستم قانون اساسی بر حقوق یکسان افراد ملت اعم از زن و مرد و بهره‌مندی از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید شده است. طبق این اصل همه مردم جامعه با برخورداری از حقوق یکسان سیاسی و اجتماعی حق گزینش شدن و شرکت در اداره امور جامعه را دارند. در این بخش مؤلفه‌هایی همچون «نفی تفاضل طلبی اجتماعی» و «التزام به اصل شایسته‌سالاری» به دست آمد که نشان از اهمیت آنهاست.

ب- حق برابر در دستیابی به موقعیت‌های برتر و شاخص اجتماعی و سیاسی از شاخصه‌های عدالت سیاسی در اسلام، نفی خودکامگی و تقلب، بسترسازی مشارکت برابر و آزادانه عموم در عرصه‌های گوناگون، توزیع قدرت و مناصب سیاسی و میزان مشارکت بر حسب استحقاق، شایستگی و کارآمدی افراد، شیوه منصفانه و مبتنی بر رعایت استحقاق‌های کلیه افراد جامعه در توزیع بیت‌المال و خدمات و منافع، نفی برابری و یکسان سازی مطلق در میان اجتماع و ایجاد زمینه‌های دستیابی مردم به فضایل و مراتب مختلف علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ...، بالاخره تمهید کلیه زمینه‌های تحقق توانمندی‌ها و استعدادهای بالقوه همه شهروندان جامعه است.

لازم است که به افراد اجازه داده شود تا در یک رقابت سالم و برابر بتوانند به مشاغل مهم و پراعتبار دست یابند. در چنین جامعه‌ای که به دنبال عدالت سیاسی و اجتماعی است اصل موروثی بودن و یا انتسابی بودن مشاغل جایگاهی ندارد چرا که باعث تبعیض و ضایع نمودن حقوق دیگران می‌شود.

به‌طور کلی عدالت در یک نظام در صورتی محقق می‌شود که آن نظام حقوق اساسی انسان‌ها را به رسمیت بشناسد و چهارچوبی را فراهم آورد که در محدوده آن انسان‌ها بتوانند از حقوق اساسی خود بهره‌مند شوند و هیچ تفاوتی بین افراد جامعه اعم از زن و مرد و اقلیت‌های قومی و مذهبی از نظر حقوق سیاسی و اجتماعی نباشد و در گزینش سیاسی نه به جایگاه اقتصادی و قبیله‌ای افراد بلکه به دانش و مهارت و آگاهی آنان توجه شود (نتایج مندرج در جدول شماره ۷).

جدول ۷ - تحلیل مؤلفه‌های شاخص‌گزينش مشارکت سیاسی برابر

مؤلفه‌های شاخص‌گزينش سیاسی برابر در ادبیات	منبع	مؤلفه‌های شاخص‌گزينش سیاسی برابر در مصاحبه	ابعاد
حق رسیدن به مقام ریاست جمهوری	توانا، محمدعلی (۱۳۸۹). توسلی، حسین (۱۳۸۷). نوروزی، محمد جواد (۱۳۸۷).	✓	حق برابر در دستیابی به مناصب کلان حاکمیتی
حق رسیدن به مقام نمایندگی مردم در مجلس	خلیلی، علی و طباطبایی، سید محمد رضا (۱۳۹۵).	✓	
نفی تفاضل طلبی اجتماعی	دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۰). جعفری، عبدالله (۱۳۹۳). مطهری، مرتضی (۱۳۹۳).	✓	
التزام به اصل شایسته‌سالاری	تقوی، محمدآصف و جابری، علی (۱۳۹۴). عبدالی، زانبار؛ نیاکوئی، امیر (۱۳۹۸).	✓	
نفی تبعیض‌های قومیتی و نژادی	اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۱).	✓	
نفی تبعیض‌های مذهبی	دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲). واعظی، احمد (۱۳۹۳).	✓	حق برابر در دستیابی به موقعیت‌های برتر و شاخص اجتماعی و سیاسی
نفی تبعیض‌های جنسیتی	کیخا، نجمه (۱۳۸۹). خرمشاد، محمدباقر؛ جمالی، جواد (۱۳۹۷).	✓	
مشارکت در نهاد شوراهای شهر و روستا	توانا، محمدعلی (۱۳۸۹). سراجی، محمود (۱۳۸۸).	✓	
تصدی مشاغل مهم اجتماعی (وکالت، استادی دانشگاه و ...)		✓	

در ادبیات پژوهش، نتیجه‌ای مبنی بر تأثیر مؤلفه «مشارکت در نهاد شوراهای شهر و روستا» در «گزينش مشارکت سیاسی برابر» یافت نشد. در مجموع از ۹ مؤلفه شناسایی شده، از ۱ مؤلفه در ادبیات پژوهش سابقه‌ای وجود ندارد.

«بر این اساس کدگذاری در این پژوهش بر مبنای انتخاب دو مصاحبه در بازه زمانی دو هفته‌ای انجام پذیرفته است. همانطور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، تعداد کل کدها در بازه زمانی دو هفته‌ای برابر ۳۳ و تعداد کل توافقات میان کدها در این دو زمان برابر ۱۶ و تعداد کل عدم توافقات در این دو زمان برابر ۸ است. پایایی بازآزمون مصاحبه‌های انجام گرفته در این پژوهش با استفاده از فرمول بیان شده، ۹۷٪ است. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰٪ است» (نتایج مندرج در جدول شماره ۸).

جدول ۸- پایایی پژوهش

ردیف	کد مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی باز آزمون
۱	۱۰م	۱۸	۹	۳	۰/۱۰۰
۲	۸م	۱۵	۷	۵	۰/۹۳
کل	۳۳	۱۶	۸	۰/۹۷	۰/۶۰

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد افزایش و ارتقای «خودآگاهی» مردم از جایگاه، نقش و اهمیت‌شان در نظام مردم‌سالاری دینی، عنصر کلیدی در بهبود کیفیت تحقق عدالت سیاسی خواهد بود. اینکه مردم اهمیت رجوع به آرای عمومی و انتخابات در جمهوری اسلامی را بدانند بی‌تردید عالمانه‌تر، مسئولانه‌تر و محققانه‌تر از حق انتخاب نمودن خود - رای دادن - استفاده می‌کنند و بی‌پروا اسیر جریان تبلیغات انحرافی و منفعت‌طلبان جناحی و گروهی نخواهند شد و حضوری فعال‌تر و پرشکوه‌تر خواهند داشت. اینکه آحاد مردم این حقیقت را بدانند که مسئولان در نظام سیاسی اسلام امانت‌دار مردم و نه مالک بر مردم هستند و مردم صاحبان اصلی انقلاب و ولی نعمت مسئولان می‌باشند؛ مطالبات سیاسی خود را قانونی‌تر، منطقی‌تر و عقلانی‌تر ناظر بر مصلحت جامعه و نظام دنبال خواهند نمود.

حاکمیت نیز برای ارتقای کیفیت عدالت سیاسی در جمهوری اسلامی باید اقداماتی انجام دهد. از مهمترین اقدامات باید بازنگری در نظام انتخاباتی کشور ناظر بر شرایط جدید باشد. ملاک‌ها و معیارهای قانونی، نظارتی و انتخاباتی باید از قانون‌های کلی و اجمالی که

محل ایجاد شائبه است فاصله بگیرد و هر چه بیشتر عینی‌تر، جزئی‌تر و ملموس‌تر گردد. شرایط انتخاب شوندگان متناسب با بهبود و رشد کمی و کیفی نیروی انسانی در راستای نظام شایسته‌سالاری دقیق‌تر و سخت‌تر شود. باید رفتار مالی، مواضع و عملکرد سیاسی منتخبان مردم در دوران تصدی مناصب حکمرانی، شفاف‌تر و هر چه بیشتر در معرض افکار و انظار مردم قرار گیرد تا مردم بتوانند با رصد عملکرد گذشته و حال مسئولان و در نظر گرفتن وعده‌های انتخاباتی برای آینده رفتاری سنجیده و معقولانه‌تر در راستای ایفای نقش سیاسی خود داشته باشند.

در نظام آموزشی و تربیتی کشور باید هر چه بیشتر مردم با حقوق شهروندی آشنا شوند. نهادینه کردن این امر که فعالیت حزبی، اعتراضات مدنی و آزادی‌های اساسی در جامعه تابع فرهنگ خاصی می‌باشد و بدون نادیده انگاشتن فرهنگ مشارکت سیاسی، آزادی‌های عمومی می‌تواند منجر به استبداد شود؛ در ایفای حقوق سیاسی بسیار راهگشا خواهد بود و در نهایت رفتار مسئولانه و توأم با سعه صدر مسئولان می‌تواند نقشی مهم در تربیت سیاسی مردم ایفا نماید.

ساختار حکومت در مشارکت یا عدم مشارکت نخبگان نقش بسزایی ایفا می‌کند. بی‌اعتمادی نخبگان به تأثیر فعالیت‌های سیاسی از جمله دلایل عدم مشارکت نخبگان است تا هنگامی که بی‌اعتمادی به تأثیر فعالیت‌های سیاسی وجود داشته باشد، نخبگان بصورت نیرویی حاشیه‌ای در می‌آیند و به تدریج از مدار فعالیت‌ها دور خواهند شد. اگر تمهیدی برای آن اندیشیده نشود انرژی کنترل نشده نخبه در شکل مشارکت اعتراضی، رفتارهای انزواگرایانه سیاسی و یا رفتارهای نوآورانه سیاسی بروز خواهد کرد. موتور محرکه توسعه یافتگی در هر کشوری نتیجه عمل و فکر نخبگان است. به عبارت دیگر توسعه یافتگی در کشور، ارتباط مستقیمی با نخبگان دارد و معاشرت منطقی و سامان یافته میان نخبگان فکری و نخبگان ابزاری می‌تواند سرنوشت یک جامعه را تعیین کند. از آنجا که جامعه ما جامعه‌ای در حال گذار است و بسیاری از موضوعات با مسائل سیاسی آمیخته شده، لذا ساختن آینده به یک شجاعت و بلوغ سیاسی در درون شاکله نخبگان سیاسی که متعاقباً بتواند کل جامعه را در برگیرد، نیاز دارد. نخبگان سیاسی به دو شیوه عمده می‌توانند در کنش‌های تاریخی و اجتماعی جامعه خود مؤثر باشند. تصمیم‌گیری به کنش سیاسی -

اجتماعی نخبگان سیاسی مربوط است که به سبب قدرت و تأثیری که دارند می‌توانند عوامل پیشرفت سیاسی جامعه را با عملکرد خود سرعت ببخشند و یا برعکس مانع از شکل‌گیری این عوامل شوند. الگوسازی از طریق ایجاد ارزش‌ها یا عمق بخشیدن به آنها نیز مربوط به رفتار سیاسی - اجتماعی نخبگان سیاسی است و آنها می‌توانند از طریق نهادینه کردن مؤلفه‌ها و عوامل پیشرفت سیاسی در رفتار خود به عنوان الگوهای مناسب در جهت نهادینه شدن این عوامل در میان مردم جامعه تأثیرگذار باشند.

در حقیقت اجرای درست عدالت سیاسی می‌تواند در بالا بردن سطح مقبولیت و مشروعیت و همچنین کارآمدی نظام بسیار موثر باشد. در حقیقت عدالت سیاسی به دنبال این است که وجود و امکان مشارکت سیاسی برای عموم افراد یک جامعه را فراهم نماید و به همین میزان افراد در انتخاب سیاسی خود شرایط برابری را تجربه نمایند و در نتیجه زمینه برای تحقق درخواست‌ها و مطالبات افراد جامعه محقق گردد.

در واقع تحقق عدالت سیاسی نیازمند وحدت کلمه واقعی آحاد مختلف جامعه با مسئولین و مدیران نظام است. وحدتی که سهم مدیران و مسئولین نظام به مراتب از مردم بیشتر است. دیرزمانی است که نقش و جایگاه مردم در ساختار سیاسی توسط دولت‌های مختلف یا گروه‌های سیاسی در کشور نادیده انگاشته شده است و این در حالیست که نظام سیاسی برای تحقق عدالت سیاسی نیاز مبرمی به مشارکت واقعی آحاد مردم دارد که این مهم با اجرای دقیق شقوق مختلف عدالت که تأثیر بسزایی در اجرای عدالت سیاسی دارد محقق می‌گردد.

در بیان نخبگان سیاسی کشور آنچه مشهود بود بازگشت به اصول مصرح قانون اساسی در شاخص‌های مختلف عدالت خصوصاً عدالت اجتماعی و به تبع آن عدالت سیاسی بوده است و آنچه مورد اجماع نخبگان سیاسی بود گسترش فضای سیاسی کشور در حوزه مشارکت سیاسی بود. البته در خصوص نوع فرآیندهای مرتبط با مشارکت سیاسی، حدود و ثغور آن و همچنین الزامات آن، دیدگاه‌های نخبگان سیاسی متفاوت بوده است.

بر این اساس به نظر می‌رسد مهم‌ترین حلقه در شاکله عدالت سیاسی و شاخص‌های برشمرده در این مقاله توجه ویژه به جایگاه مشارکت سیاسی و الزامات آن است که می‌توان پیشنهادها را در این راستا مورد توجه قرار داد:

- توانمندسازی احزاب و تشکل‌های سیاسی برای افزایش زمینه‌های همدلی، تفاهم و تعامل مؤثر با یکدیگر در قبال منافع کلان و بلندمدت نظام و انقلاب؛
- توجه ویژه به حلقه‌های میانی است که این مهم با سهم کردن مردم در فرآیندهای اداره جامعه از برنامه‌ریزی و سامان‌دهی تا هماهنگی و نظارت محقق می‌گردد؛
- فراهم کردن زمینه‌ها و بسترهای لازم برای طرح مطالبات جدی و منطقی شهروندان از مسئولین، دولتمردان و نمایندگان مجلس در حوزه‌های حقوق سیاسی و اجتماعی؛
- مهیا نمودن بسترهای لازم در اشکال مختلف رسمی و غیررسمی، سازمان‌یافته و سازمان‌نیافته، داوطلبانه و اجباری در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جهت گسترش و تعمیق مشارکت؛
- حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و مراکز غیردولتی در کشور و رفع ایرادات و کاستی‌های حقوقی و قانونی در باب آزادی و توسعه احزاب و تشکل‌های اجتماعی و سیاسی در چارچوب قانون اساسی و اقتضائات سیاسی و بومی نظام جمهوری اسلامی؛
- اصلاح و روزآمدسازی نظام انتخاباتی و قانون برگزاری انتخابات در کشور به‌عنوان یک اقدام حقوقی و قانونی مؤثر در نهادینه شدن فرایند گردش نخبگان و اعمال دقیق‌تر الگوی پرورش و به‌کارگیری نخبگان و شایستگان در مسئولیت‌ها و مناصب سیاسی و مدیریتی.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mohammad Aghataghi	Nabi		https://orcid.org/0000-0002-0028-6219
Ahmed Ardestani	Bakshayesh		http://orcid.org/0000-0003-0213-9565
Susan Safaverdi			http://orcid.org/0000-0002-1576-3989

منابع

- آشوری، محمد، (۱۳۸۳)، *حقوق بشر و مفاهیم مساوات*، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۱)، *عدالت در نظام سیاسی اسلام*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اسلامی، شهلا، (۱۳۸۷)، «تحول نظریه عدالت رالز از عدالت اخلاقی به عدالت سیاسی»، *فصلنامه جستارهای فلسفی*، فروردین، سال چهارم، شماره ۱۳.
- امام جمعه زاده، سیدجواد، میلانی، جمیل، (۱۳۹۰)، «شاخصه‌های عدالت سیاسی و راهکارهای تحقق آن»، *مجله علمی تخصصی پژوهش‌های سیاسی*، اردیبهشت، سال اول، شماره ۱.
- اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۸)، «گفتمان عدالت در دولت نهم»، *معرفت سیاسی*، تیر، سال اول، شماره ۲.
- بشیری، حسین، (۱۳۸۱)، *دییچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی*، تهران: نشر نگاه معاصر.
- برلین، آریزا، (۱۳۷۹)، *چهار مقاله درباره آزادی*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: انتشارات خوارزمی.
- توانا، محمدعلی، (۱۳۸۹)، «نظریه عدالت سیاسی جان رالز: راه‌حلی برای معمای دووجهی آزادی و برابری»، *پژوهش سیاست نظری*، تابستان و پاییز، دوره ۱، شماره ۸.
- تقوی، محمدآصف و جابری، علی، (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی نظریات عدالت شهید صدر و جان رالز»، *معرفت*، مرداد، دوره ۲، سال بیست و چهارم، شماره ۲۱۸.
- جمال زاده، ناصر، (۱۳۸۷)، «عدالت سیاسی و اجتماعی در سه رهیافت فقهی، فلسفی و جامعه‌شناسی»، *مجله دانش سیاسی*، پاییز و زمستان، شماره ۸.
- خرمشاد، محمد باقر و ساوه درودی، مصطفی، (۱۳۹۱)، «عدالت در اندیشه متفکرین اسلامی، مقایسه تطبیقی آرای رهبر انقلاب اسلامی و شهید مطهری»، *فصلنامه امنیت پژوهش*، سال ۱۱، شماره ۴۰.
- جعفری، عبدالله، (۱۳۹۳)، *درآمدی بر نظریه عدالت در اسلام*، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- ریشه، گی، (۱۳۷۸)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.

- رالز، جان، (۱۳۷۸)، *نظریه عدالت*، ترجمه محمد کمال سروریان، مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- چاندوک، نیرا، (۱۳۷۷)، *جامعه مدنی و دولت*، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز.
- سرآبادانی تفرشی، حسین و پیغامی، عادل، (۱۳۹۶)، «تبیین مفهومی نظریه عدالت اجتماعی در اندیشه شهید صدر»، *نقد و نظر*، مرداد، سال بیست و دوم، شماره ۲.
- شریعت، فرشاد، (۱۳۸۷)، *بررسی ابعاد نظری عدالت در گفتمان سیاسی اسلام و غرب*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- لک‌زایی، نجف، (۱۳۸۳)، *اندیشه سیاسی آیت‌الله مطهری*، قم: بوستان کتاب.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۵۲)، *عدل الهی*، تهران: صدرا.
- موسوی، جمال‌الدین، (۱۳۸۰)، *عدالت اجتماعی در اسلام*، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ندائی، محمد علی، (۱۳۸۵)، *عدالت در گفتمان انقلاب اسلامی*، قم: موسسه بوستان کتاب.
- کیخا، نجمه، (۱۳۸۹)، *عدالت اجتماعی*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- واعظی، احمد، (۱۳۹۳)، *نقد و بررسی نظریه‌های عدالت*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۰)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۲، تهران: نشر دادگستر.
- عظیمی دولت‌آبادی، امیر، (۱۳۸۷)، *منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، ج ۱، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- احمدی، منصور، (۱۳۸۱)، *آزادی در فلسفه سیاسی اسلام*، قم: بوستان کتاب.
- میراحمدی، منصور و شیرینی، اکرم، (۱۳۸۸)، «عدالت سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی»، *فصلنامه علمی ترویجی وزارت علوم*، تیر، سال دوم، شماره ۴۸.
- نریمانی، امیر رضا، واعظی، رضا، الوانی، سید مهدی، قربانی زاده، وجه‌الله، (۱۳۹۶)، «شناسایی عوامل و موانع برون سازمانی دانشگاه در تجاری‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی»، *فرآیند مدیریت و توسعه*، بهار، دوره ۳۰، شماره ۱.

References

- Aktan, C, (2015), "Political Corruption, An Introductory Study on Terminology and Typology", *International Journal of Social Sciences and Humanity Studies*, Vol. 7, No. 1.
- Edwards, Michael, (2004), *Civil Society*, Cambridge: Polity Press.
- Rawls, John, (1996), *Political Liberalism*, New York: Columbia University Press.
- Rawls, John, (1999), *The Law of Peoples, With the Idea of Public Reason Revisited*, Cambridge: Harvard University Press.

In Persian

- Akhwan Kazemi, Bahram, (2002), *Justice in the Islamic Political System*, Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- Akhwan Kazemi, Bahram, (2008), "Justice Discourse in the Ninth State", *Political Knowledge*, July, Year 1, No. 2.
- Ashuri, Mohammad, (2004), *Human Rights and Concepts of Equality*, Tehran: Publications of Faculty of Law and Political Science, University of Tehran.
- Azimi Dolatabadi, Amir, (2007), *Conflicts of Political Elites and Political Stability in the Islamic Republic of Iran*, Ch1, Tehran: Publications of the Islamic Revolution Center.
- Bashirieh, Hossein, (2002), *A Preface on the Political Sociology of Iran During the Islamic Republic Period*, Tehran: Negah Masares Publication.
- Berlin, Izia, (2000), *Four Essays about Freedom*, Translation by Mohammad Ali Movhed, Tehran: Kharazmi Publications.

- Eslami, Shahla, (2007), "Evolution of Rawls' Theory of Justice from Moral Justice to Political Justice", *Philosophical Essays Quarterly*, April, No. 13.
- Hashemi, Seyed Mohammad, (2016), *Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran*, Vol. 2, Tehran: Judicial Gazette.
- Imam Jumezadeh, Seyed Javad & Milani, Jamil, (2018), "Political Justice Indicators and Strategies for Its Realization", *Specialized Scientific Journal of Political Research*, Ardibehesht, Year 1, Number 1.
- Jafari, Abdullah, (2013), *An Introduction to the Theory of Justice in Islam*, Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center.
- Jamalzadeh, Naser, (2007), "Political and Social Justice in Three Jurisprudential, Philosophical and Sociological Approaches", *Political Science Journal*, Autumn and Winter, No. 8.
- Khorramshad, Mohammad Baqir & Saveh Daroudi, Mustafa, (2012), "Justice in the Thought of Islamic Thinkers, Comparative Comparison of the Opinions of the Leader of the Islamic Revolution and Martyr Motahari", *Research Security Quarterly*, Year 11, No. 40.
- Kikha, Najmeh, (2016), *Social Justice*, Tehran: Young Thought Center.
- Lakzaei, Najaf, (2008), *Ayatollah Motahari's Political Thought*, Qom: Bostan Kitab.
- Mir Ahmadi, Mansour, (2007), *Freedom in the Political Philosophy of Islam*, Qom: Bostan Kitab.
- Mirahmadi, Mansour & Shiri, Akram, (2008), "Political Justice in the Discourse of Islamic Political Jurisprudence", *Ministry of Science Promotion Quarterly*, No. 48.
- Motahari, Morteza, (2008), *Adl Elahi*, Tehran: Sadra.

- Mousavi, Jamaluddin, (2004), *Social Justice in Islam*, Tehran: Contemporary Cultural Institute of Knowledge and Thought.
- Nadai, Mohammad Ali, (2009), *Justice in the Discourse of the Islamic Revolution*, Qom: Bostan Ketab Institute.
- Narimani, Amir Reza, Vaezi, Reza, Alwani, Seyed Mehdi, Ghorbani zadeh, Vajehullah, (2016), "Identification of External Factors and Obstacles of the University in the Commercialization of Humanities Researches", *Management and Development Process*, Spring, Vol. 30, No. 1.
- Nira Chandouk, (2009), *Civil Society and Government*, Translated by Feridon Fatemi, Tehran: Nahr-e-Karzan.
- Rawls, John, (2012), *Theory of Justice*, Translation by Mohammad Kamal Sarwarian, Morteza Bahrani, Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies.
- Roshe, Gay, (2013), *Social Changes*, Translated by Mansour Vathouqi, Tehran: Ney Publication.
- Sarabadani Tafarshi, Jasin & Khameshadi, Adel, (2016), "Conceptual Explanation of the Theory of Social Justice in the Thought of Martyr Sadr", *Naqd and Nazar, Mardad*, No. 2.
- Shariat, Farshad, (2007), *Examining the Theoretical Dimensions of Justice in the Political Discourse of Islam and the West*, Tehran: Imam Sadegh University (AS).
- Tagvi, Mohammad Asif & Jabri, Ali, (2014), "Comparative Study of Martyr Sadr's and John Rawls' Theories of Justice", *Marfat*, August, No. 218.

- Tawana, Mohammad Ali, (2009), "John Rawls' Theory of Political Justice: A Solution to the Two-Faced Enigma of Liberty and Equality", *Theoretical Politics Research*, Summer and Fall, Vol. 1, No. 8.
- Vaezi, Ahmad, (2013), *Criticism of Theories of Justice*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.



استناد به این مقاله: آقائقی، محمدنبی، بخشایش اردستانی، احمد، صفارودی، سوسن، (۱۴۰۳)، «عدالت سیاسی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر شاخص مشارکت و گزینش سیاسی برابر با تأکید بر آرای نخبگان سیاسی»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۳(۴۸)، ۳۳-۶۶.

DOI: 0.22054/QPSS.2023.72098.3179



Quarterly of Political Strategic Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License